

## ( شرار آدرخش )

کو شعله های جاویدان خاشه سوز  
 که شرار آدرخش ، بر آسمان زند  
 دستی برون شود ز آستین مردمان  
 آتش به کاخ مفسد آخرزمان زند  
 کو پنجه که پاره کند حلق دیو و دد  
 خنجر به قلب جمله آن ناکسان زند  
 باشد که مرد کارگر بنیاد سوخته ای  
 پتکی بفرق رهن و دزد جهان زند  
 خشم درست توده زنجیر گسسته ای  
 مشتی به نادرستی سود و زیان زند  
 ره ای هزار ستاره تابناک پیر را  
 پرجوش خون تازه نسل جوان زند  
 درفش افتخار رهایی را عاقبت  
 ملت فراز بام بلند جهان زند  
 در جشن شادمانی و آزادی وطن  
 ( ناتور ) پیر ، بال سوی، آشیان زند

